

سریال‌های تلخ، فیلم‌های شیرین

27 آبان 1403

انگار قرار می‌نوشته و ناگفته بین سازندگان فیلم‌های سینمایی و سریال‌های ساخته شده در شبکه‌های خانگی است که بینندگان در سالن‌های سینما به هر قیمتی بخندند و رقص تماشا کنند و در خانه‌هایشان هنگام تماشای سریال غمباد بگیرند و اگر اشک‌شان سر مشک‌شان است دستمال‌های کاغذی موجود در خانه را هنگام تماشای سریال تمام کنند!

روی پرده سینما زودپز، تگزاس 3 و سال‌گره پر فروش می‌شوند و در نمایش خانگی بازنده، گردن‌زنی و غربت بیننده‌های زیادی را مشتاق آمدن قسمت‌های بعدی می‌کنند.

کاش جای این دو عوض می‌شد. سریال‌ها را در سینما نمایش می‌دادند و فیلم‌های کمدی در شبکه‌های خانگی پخش می‌شد. چرا که حجم ناامیدی، خشونت و زشتی در سریال‌ها به اندازه‌ای زیاد شده که تماشایش نیازمند محدود ساختن بینندگان به لحاظ سنی، موقعیتی و رفتاری است. نه اینکه فیلم‌های کمدی با شوخی‌های جنسی و جلفش محدودیت نداشته باشد، دارد، اما راحت‌تر می‌توان از تأثیرش بر مخاطب کم سن و سال گذشت.

اینکه ابتدای سریالی بزنیم تماشای این سریال محدودیت سنی دارد، کفایت نمی‌کند. چند درصد از بینندگان این سریال‌ها به این نکته توجه می‌کنند و چه تعدادی شرایط جداسازی فرزندان، برادران و خواهران کم سن و سال خود را دارند؟ چه میزان از خانوارهای ایرانی برای فرزندان‌شان اتاق‌های جداگانه دارند و چه تعدادی از ایشان برای تربیت فرزند خود برنامه و تعهد دارند؟ اینها را نمی‌نویسم تا گردن سریال‌هایی مثل بازنده را بزنم. بازنده از جهات مختلف سریال خوبی است. گردن‌زنی و غربت هم بدک نیستند. اما در جامعه‌ای که فقر و نکبت، ناامیدی و توجه ویژه به خبرهای بد بیداد می‌کند، ممکن است پخش به شیوه کنونی‌شان درد روی درد بگذارد و زخمی بر پیکر نوجوانان و جوانانی بشود که خواسته و ناخواسته به تماشای آن نشسته‌اند. قطعه‌قطعه کردن، کشتن، رابطه‌های نامشروع و... عادی بشود.

نمی‌گویم بازنده، غربت و گردن‌زنی داستانی تخیلی را تصویر کرده‌اند که اگر هم کرده بودن عیبی نداشت. ماهیت هنر همین است. اما اینکه نرم نرم در ذهن و جان کودک و نوجوانی بعضی چیزها بنشیند که برای خودش، برای جامعه‌اش و برای آینده‌اش مضر است نیازمند مکث است. شاید اگر پخش سریال‌ها متنوع‌تر باشد و برخی‌شان از روابط انسانی بگویند از امید حرف بزنند از زیبایی و انسانیت‌ها داستان بگویند، ماجرا فرق کند.

بدون تعارف زندگی به این زشتی و سیاهی و خشونت‌هایی که در سریال‌هایی که نام برده شد، نیست. زیبایی‌های فراوانی کنارش هست. درست است که تراژدی، نقد تند مخالف کردن (در تمام زمینه‌های هنری، اجتماعی، سیاسی و...) خریدار بیشتری دارد، اما تاریخ سینما پر از فیلم‌هایی مثل رهایی از شائوشنگ، مسیر سبز، ئی‌تی، گنج قارون و... هست که بینندگان خیلی زیادی داشته است.

بہتر است متولیان شبکه‌های رسانه‌های خانگی، سینما و تلویزیون برنامه‌دارتر حرکت کنند . برنامه‌ای که با حذف و سانسور همراه نباشد، اما با مخاطب‌شناسی، بررسی کارشناسانه، توجه به مسائل اقلیمی، زمانه‌ای و... کنار سلامت روحی و جسمی مخاطبان هنرمندان باشد.

***حسن لطفی*